

## مسئولیت ترتیبی\*

صادق شریعتی نسب\*\*

دکتری حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

### چکیده

گاهی در قوانین با مسئولیت‌هایی روبه‌رو می‌شویم که به ترتیب و در چند مرحله، بر عهده اشخاص متفاوتی قرار می‌گیرد و در هر مرحله، طلب بستانکار باید از دارایی جداگانه‌ای دریافت شود. اما اگر این دارایی وجود نداشته یا کافی نبود، بستانکار می‌تواند به ردیف بعدی مراجعه کند. بنابراین، ذمه‌ها به ترتیب و به نحو بدلی، یکدیگر را پوشش می‌دهند. سلسله‌مراتبی که در پرداخت نفقه اقارب می‌بینیم، همچنین ترتیب مسئولیت عاقله و جانی و بیت‌المال در پرداخت دیه، نمونه‌های آشنای چنین مسئولیتی هستند. هدف این مقاله، مطالعه این قسم مسئولیت به‌عنوان نهادی مستقل و اصیل در حقوق ایران است. روش مطالعه بر مبنای استقرا از احکام پراکنده قانونی و سپس تحلیل و قیاس آنها با موارد مشابه است. با گردآوری مصادیق مسئولیت ترتیبی در حقوق ایران، می‌توان مفهوم و ارکان آن را شناخت و برای آن قواعدی عمومی پایه‌ریزی کرد. این ارکان عبارت‌اند از: ترتب، وحدت دین، و تعدد دارایی. همچنین در زمینه هدف مسئولیت، رابطه مسئولان و گستره مسئولیت، می‌توان قاعده عمومی این مسئولیت را استخراج کرد.

واژگان کلیدی: پوشش، ترتب، ترتیب، تعهد، دین، سلسله‌مراتب، مرتبه، مرحله، مسئولیت.

\* بنا بود این نوشته در زمان حیات استاد دکتر ناصر کاتوزیان، در قالب مجموعه مقالاتی، به ایشان تقدیم شود که مقدر نشد. اکنون این مقاله را به مقام ایشان تقدیم می‌کنم.

\*\*Email: shariatina@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۳۰ بهمن ۱۳۹۸، تاریخ تصویب: ۲۵ آذر ۱۳۹۹

## ۱. مقدمه

از نظر شمار مسئولان یک دین، مسئولیت ممکن است فردی یا اشتراکی باشد. در مسئولیت فردی، تنها یک شخص پاسخگوی دین یا تعهدی قرار می‌گیرد. اما در مسئولیت اشتراکی، دو یا چند شخص مسئول هستند. همچنین حدود تعهد مسئولان مشترک، می‌تواند گوناگون باشد: این مسئولیت گاهی به تساوی، گاهی به نسبت (نسبی)، و گاه به صورت تضامنی است؛ خواه این تضامن عرضی یا طولی باشد.<sup>۱</sup> اما تقسیم‌بندی دیگری نیز قابل طرح است که ناظر بر «ترتیب» مسئولیت است. از این حیث، ممکن است مسئولیت دارای یک «مرتب» یا دارای مراتب متعدد باشد: اگر یک یا چند بدهکار، همگی در یک ردیف و رتبه عهده‌دار دین باشند، مسئولیت یک‌درجه‌ای است. اما گاهی مسئولیت، ترتیبی دارد؛ به این معنا که در چند مرحله و به ترتیب، هر بار شخص یا اشخاص متفاوتی مسئول پرداخت دین هستند (مانند مسئولیت درجات مختلف خویشاوندان در پرداخت نفقه اقارب، موضوع مواد ۱۱۹۹ تا ۱۲۰۱ ق.م.). شایان ذکر است که هر مرحله و ردیف مسئولیت، از نظر شمار مسئولان، خود ممکن است فردی یا اشتراکی باشد. چنانکه تعهد مربوط به نفقه اولاد در مرحله اول، فردی (تنها بر عهده پدر) و در مرحله چهارم، اشتراکی (بر عهده اجداد و جدات مادری و جدات پدری، به حصه متساوی) است (ماده ۱۱۹۹ ق.م.).

پس چون مسئولیت چند مرحله دارد و ترتیبی را رعایت می‌کند، آن را «ترتیبی»<sup>۲</sup> نامیدیم. همچنین از آنجا که مسئولیت در هر مرحله، پس از دیگری و پوششی برای آن است، می‌توان نام آن را «مسئولیت پوششی» گذارد. گاهی هنگام برخورد با پاره‌ای از مصادیق مسئولیت ترتیبی، آن را «مسئولیت مشروط» نامیده‌اند (السنهوری، ۱۹۵۲: ۸۰۶ - ۸۰۴؛ قاسم‌زاده، ۱۳۷۵: ۱۲۴)، زیرا مشروط بر آن است که داین، نتواند دین خویش را از کس دیگری (مرحله پیشین) دریافت کند. برخی نیز، مصادقی از آن را «مسئولیت احتیاطی» خوانده‌اند (رک: قاسم‌زاده، ۱۳۷۵، پانوش ۱۱۷)؛ یعنی مسئولیتی که احتیاطاً مقرر شده تا اگر دین از نخستین متعهد وصول نشد، پایگاه دیگری برای جبران آن مهیا کند. اما اولاً مسئولیت مشروط، خود دارای تبادر است و معنایی اعم از مورد بحث ما دارد. چنانکه هر گاه مسئولیت شرطی داشته باشد، آن را مشروط می‌خوانند. پس

۱. در تضامن عرضی، چند شخص در کنار هم و در یک زمان مسئول دین قرار می‌گیرند. در تضامن طولی، زمان مسئولیت اشخاص متفاوت و در طول یکدیگر است. در این نوع تضامن، ضامن در صورتی مکلف به پرداخت دین است که بستانکار ابتدا به مدیون اصلی (مضمون‌عنه) رجوع کند و نتواند طلب خویش را از او دریافت کند. رک: کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۳۴۰. «تعهد ضامن به‌عنوان وثیقه دین باشد، بدین ترتیب که، مضمون‌له ابتدا برای وصول طلب خود به مدیون اصلی رجوع کند و، اگر به نتیجه نرسد، به مدیون تبعی (وثیقه) مراجعه نماید».

۲. زنده‌یاد استاد دکتر ناصر کاتوزیان در گفت‌وگوی حضوری، به جای «مسئولیت استدراجی» که نخست مدنظر نگارنده بود، عنوان «مسئولیت ترتیبی» یا «مسئولیت به‌ترتیب» را برای این مفهوم پیشنهاد دادند، که چنین نیز شد.

این اصطلاح «مانع» نیست. همچنین مسئولیت مشروط، بیشتر با مسئولیت‌های قراردادی (=شرط) تناسب دارد. از این گذشته، این عنوان مفهوم «ترتیب» را نمی‌رساند، بنابراین «جامع» هم نیست. ثانیاً عنوان «مسئولیت احتیاطی»، گرچه تا حدودی می‌تواند بیانگر مفهوم چنین نهادی باشد، ممکن است القاکننده این تصور شود که هدف و فلسفه این‌گونه مسئولیت، دعوت به احتیاط و مراقبت است و از این نظر، گمراه‌کننده باشد.<sup>۱</sup> از این گذشته، پشتوانه‌سازی برای وصول طلب (=احتیاط)، انگیزه وضع چنین مسئولیتی است، اما ماهیت و ساختار آن (ترتیب و سلسله‌مراتب) را نمی‌رساند، و در نام‌گذاری نهادهای حقوقی، ماهیات اولی بر دواعی است. افزون بر اینها، فقط مسئولیت درجات بعدی (نه نخستین درجه) را می‌توان «احتیاطی» نامید؛ در حالی که «مسئولیت ترتیبی»، ناظر بر نوع و سنخ این مسئولیت است و در نتیجه، همه درجات و مراحل تعهد را در بر می‌گیرد.

مسئولیت‌های ترتیبی، اغلب احکام ویژه قانون یا استثنای بدون قاعده تلقی شده‌اند و به آنها به دید مفهومی مستقل یا نهاد مجزا نگریسته نشده. اندک مصادیق آن نیز در جایی گردآوری نشده. هدف این نوشتار، مطالعه این مفهوم به‌عنوان نهادی مستقل و اصیل و پاسخ به پرسش‌های زیر است: مسئولیت ترتیبی چه مفهومی دارد و تفاوت آن با مفاهیم و نهادهای مشابه چیست؟ چه اصول و ارکانی دارد؟ مصادیق آن در حقوق ایران کدام‌اند؟ و در نهایت قواعد عمومی و اصول مشترک حاکم بر این نوع مسئولیت چیست؟

## ۲. مفهوم مسئولیت ترتیبی

چنانکه گفته شد، مسئولیت ترتیبی ناظر بر ترتیب و مراحل مسئولیت است، نه تعداد مسئولان در هر مرتبه. در این نوع مسئولیت، اشتغال ذمه مدیونین به‌نحو ترتیبی و بدین شکل که با ناممکن شدن وصول طلب در یک مرحله، یا اساساً مهیا نبودن شرایط استقرار دین در آن مرحله، دین به مرتبه بعدی منتقل می‌شود؛ به‌گونه‌ای که هیچ‌زمان بیش از یک ردیف، ملزم به پرداخت دین نیست و با اشتغال ذمه یکی، دیگری بری می‌شود و میان این دو اثر، ملازمه است. علت این ملازمه و جایگزینی بدلی، فلسفه وضع این نوع مسئولیت است که «حمایت از مدیونین، در کنار تضمین حق بستانکاران» است. بدین‌سان، قانونگذار به دستگیری از مدیونین و سبک کردن بار مسئولیت ایشان نیز نظر دارد و با انتقال دین به مرحله بعد، مرتبه قبلی را از دین می‌رهاند. با این وصف، تفاوت مسئولیت ترتیبی با تضامن طولی آشکار می‌شود: نخست

۱. ترکیب «مسئولیت پوششی»، همین مفهوم را دارد، بی‌آنکه در ذهن ایجاد شبهه کند، و بیانگر مسئولیتی است که ذمه‌ها را پوشش می‌دهد تا اگر نخستین درجه مسئولیت به مقصود نرسید، درجه دیگری برای جبران آن باشد. افزون بر اینکه واژه «پوشش» در مقایسه با «احتیاط»، فارسی است و از نظر سرنویسی نیز بر آن برتری دارد.

اینکه در تضامن طولی، دو (یا چند) ذمه در اختیار بستانکار قرار می‌گیرد.<sup>۱</sup> اگرچه مراجعه به این ذمه‌ها دارای ترتیب است (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۴۰۰ و ۴۰۱، فرض الف)، اما با پرداخت نشدن دین، در نهایت ذمه‌ها به هم می‌پیوندند و همزمان در اختیار بستانکار قرار می‌گیرد. به همین دلیل، در آن از «تضامن»<sup>۲</sup> و ضمیمه شدن ذمه‌ها به یکدیگر سخن می‌رود (ر.ک: جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶: ۲۴۷). اما در مسئولیت ترتیبی، با استقرار دین بر دومین درجه، مسئولیت از دوش اولی برداشته می‌شود. پس ذمه‌ها حتی به ترتیب نیز با هم جمع نمی‌شوند. دوم آنکه، منشأ تضامن طولی عقد ضمان است و همچنین به‌طور معمول نیاز به تصریح و توافق دارد (ماده ۴۰۲ ق.ت.) و به‌ندرت می‌توان برای آن نمونه‌ای قانونی مثال آورد.<sup>۳</sup> برخی حقوقدانان، تضامن طولی را در عقد ضمان، اقتضای عرف مسلم و موافق اصل می‌دانند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶: ۱۸۰).<sup>۵</sup> ولی حتی اگر چنین باشد، این اقتضا و اصل نیز منسوب به اراده است و از قانون سرچشمه نمی‌گیرد. در مقابل، مسئولیت ترتیبی معمولاً ریشه قانونی دارد و به عقد ضمان یا توافق وابسته نیست.

### ۳. ارکان مسئولیت ترتیبی

مسئولیت ترتیبی نیازمند معیاری است تا آن را از مفاهیم مشابه جدا کند و برای شناسایی مصادیق آن به‌کار آید. در غیر این صورت، ممکن است با مفاهیم دیگر بیامیزد. با استقرا از مقررات پراکنده قانون و نیز بر مبنای مفهوم پیش‌گفته، این ارکان عبارت‌اند از:

۱. اما در مسئولیت ترتیبی، تا هنگامی که به نخستین درجه مراجعه نشود و وصول دین از او ناممکن نگردد، اساساً دومین ذمه به دین مشغول نمی‌شود (نه آنکه ذمه مشغول شود و تنها امکان مراجعه نباشد).
۲. تضامن بر وزن تفاعل، به معنای با هم ضامن شدن است. واژگان ساخته‌شده بر وزن تفاعل، به‌طور معمول انجام دادن کاری با هم را افاده می‌کنند. چنانکه تعاون، تفاعل، تقابل، تراضی، تبانی، تجانس، تصادم، تعامل، تناظر، و تهاتر چنین‌اند.
۳. ایشان در تعریف ضمان طولی آورده‌اند: «در اینجا هم ضم ذمه به ذمه وجود دارد، ولی ذمه ضامن در طول ذمه مضمون‌عنه قرار گرفته است». همچنین ر.ک: کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۳۴۰؛ همو، ۱۳۸۲: ۲۰۶.
۴. یکی از این مثال‌های نادر چنین است: اگر کسی از دین مؤجلی ضمانت تضامنی کند و پس از آن مضمون‌عنه فوت کند یا ورشکست شود، دین مؤجل مدیون اصلی حال می‌شود و بستانکار می‌تواند به او رجوع کند. اما دین ضامن حال نمی‌شود و تنها در سررسید دین قابل مطالبه است (ر.ک: کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۳۴۳). بنابراین بدون اینکه قراردادی در کار باشد، به حکم قانون مسئولیت ضامن در طول مسئولیت مضمون‌عنه قرار می‌گیرد. ماده ۴۰۵ قانون تجارت در این زمینه مقرر می‌دارد: «قبل از رسیدن اجل دین اصلی، ضامن ملزم به تأدیه نیست؛ ولو اینکه به‌واسطه ورشکستگی یا فوت مدیون اصلی، دین مؤجل او حال شده باشد».
۵. همچنین ر.ک: کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۱۸۳: «... مقتضای قاعده مستفاد از عرف، تضامن طولی است، مگر اینکه تصریح به تضامن عرضی و یا نقل ذمه در عقد ضمان کنند، یا اوضاع و احوال، دلالت برخلاف تضامن طولی کند». و در حقوق اداری، ر.ک: کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۲۴۹.

### ۳.۱. ترتب

گفته شد که در مسئولیت ترتیبی، اشتغال ذمه‌ها، به‌نحو «ترتیبی» و «بدلی» است. همین ترتیب و جایگزینی ذمه‌ها، مفهوم «ترتب» را شکل می‌دهد. بدون وجود یکی از این دو، آنچه را که روی می‌دهد، نباید مسئولیت ترتیبی دانست. بنابراین جایی که ذمه‌ها در یک مرتبه قرار دارند و ترتیب در کار نیست (تضامن عرضی)، یا حالتی که دو ذمه (ضامن و مضمون‌عنه) اگرچه به ترتیب، در نهایت با یکدیگر جمع می‌شوند و جایگزینی ذمه‌ها با یکدیگر انجام نمی‌شود (تضامن طولی)، از بحث ما خارج است. بر این اساس، در چارچوب ماده ۷۲۳ قانون مدنی<sup>۱</sup> اگرچه مراجعه دارای ترتیب است، جایگزینی ذمه‌ها در کار نیست، زیرا دین بر ذمه مدیون اصلی می‌ماند و افزون‌بر او، دیگری نیز به‌صورت معلق، به پرداخت دین ملتزم می‌شود (ر.ک: کاتوزیان، ۱۳۸۵ الف: ۲۲۹). پس با حصول معلق‌علیه، مسئولیت «ملتزم» به مسئولیت «مدیون» می‌پیوندد و تضامن طولی اجرا می‌شود. در ماده ۶۹۹ قانون مدنی<sup>۲</sup> نیز جایگزینی ذمه‌ها به معنای کامل رخ نمی‌دهد (کاتوزیان، ۱۳۸۵ الف: ۲۲۹). همچنین است در رهن مال دیگری با اذن او (موسوم به رهن مستعار).<sup>۳</sup>

### ۳.۲. تعدد دارایی

در مسئولیت ترتیبی، دین در چند برهه زمانی مختلف، بر چند دارایی گوناگون مستقر می‌شود. هر کدام از این دارایی‌ها، نماینده شخصیت متفاوتی است و نشان می‌دهد دین بر ذمه‌های متعدد استوار شده است. بنابراین اگر دو مال از یک شخص (یک دارایی)، هرچند به ترتیب،

۱. ماده ۷۲۳ ق.م. «ممکن است کسی در ضمن عقد لازمی، به تأدیة دین دیگری ملتزم شود. در این صورت، تعلیق به التزام مبطل نیست؛ مثل اینکه کسی التزام خود را به تأدیة دین مدیون، معلق به عدم تأدیة او نماید».

۲. ماده ۶۹۹ ق.م. «تعلیق در ضمان، مثل اینکه ضامن قید کند که اگر مدیون نداد من ضامنم، باطل است؛ ولی التزام به تأدیة، ممکن است معلق باشد».

۳. «... فرض ماده ۶۹۹ ناظر به موردی است که دین به ذمه ضامن منتقل شده و او پرداخت دین خویش را معلق می‌سازد. و برای دیدن نظری که هر دو ماده ۷۲۳ و ۶۹۹ را مشابه و از مصادیق مسئولیت تضامنی طولی می‌داند و اختلاف را تنها در این می‌داند که قالب توافق در ماده ۷۲۳، شرط ضمن عقد است، ر.ک: جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶: ۲۴۷ و ۲۷۶».

۴. برای دیدن تعریف رهن مستعار، ر.ک: جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸: ۴۲. در این حالت، دو دارایی (رهینه و ذمه مدیون) در طول هم برای وصول طلب در اختیار بستانکار است و اگر عین مرهونه کفاف طلب مرتهن را نداد، او می‌تواند به دارایی مدیون اصلی رجوع کند (=ترتیب). اما حتی هنگام مطالبه رهینه نیز، دین بر ذمه مدیون اصلی قرار دارد. به همین دلیل نیز مرتهن می‌تواند از رهن صرف‌نظر و مستقیماً به دارایی مدیون مراجعه کند (ماده ۷۸۷ ق.م. و ماده ۳۴ ق.ث. همچنین ر.ک: مواد ۱۱۲ و ۱۱۳ آیین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجرا و طرز رسیدگی به شکایت از عملیات اجرایی). بر همین اساس برخی استادان، رهن مال غیر را گونه‌ای از عقد ضمان (ضم ذمه) دانسته‌اند، زیرا در آن دین بر عهده مدیون باقی می‌ماند، اما دیگری آن را از مال معینی از اموال خود ضمانت می‌کند (کاتوزیان، ۱۳۸۵ الف: ۵۵۱-۵۴۹-۵۵۸-۵۶۳، قرائت و تمرین (۱۲)؛ کاتوزیان، ۱۳۳۳: ۹ و ۱۰. برای دیدن همین مفهوم، ر.ک: جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶: ۲۶۷ و ۲۶۸).

محل وصول یک دین قرار گیرد، مسئولیت ترتیبی تحقق نیافته است، زیرا مال معین، «موضوع» دین است نه «مستول» آن.<sup>۱</sup> پس اگر بدهکاری مالی از اموال خود را وثیقه دین خویش قرار دهد (رهن) و به سبب تلف یا کافی نبودن آن مال، بستانکار به دیگر اموال او رجوع کند، مسئولیت ترتیبی به وجود نیامده؛ زیرا هر دو مال (عین مرهونه و اموال دیگر) در دارایی همان مدیون هستند و دین تنها محل خود را تغییر داده است. با وجود این، لزومی ندارد که دارایی‌های مختلف، عام و شامل همه اموال مستولان باشد. این دارایی‌ها حسب مورد ممکن است شامل تمام اموال باشد، یا در مال خاصی متمرکز شود. آنچه اهمیت دارد، این است که در هر مرحله، دین از دارایی متفاوتی استیفا شود.

### ۳.۳. وحدت دین

دین مستولان درجات بعدی، همان است که بر عهده نخستین درجه قرار گرفته و تنها محل وصول آن (=ذمه) تغییر کرده است. بنابراین اگر در دو برهه زمانی، موضوعی بر دو ذمه قرار گیرد و ترتیب وجود داشته باشد، اما منشأ تعهد مسئول دوم با دین نخستین متفاوت باشد، مسئولیت ترتیبی محقق نشده است. برای مثال، در ضمان عهده (ماده ۷۰۸ ق.م.) یا کفالت، در وهله نخست تعهدی بر مضمون‌عنه یا مکفول است، و در وهله بعد بر عهده ضامن و کفیل. اما منشأ تعهد ضامن و کفیل، همان دین مضمون‌عنه و مکفول نیست؛ بلکه خسارت ناشی از عدم انجام تعهد است: ضامن عهده، در وهله نخست تعهد می‌کند یا مشتری را به بازپس دادن آنچه گرفته است، و ادارد (=تعهد به انجام کار). منتها اگر موفق به این کار نشد و نتوانست او را راضی کند، باید از عهده خسارت عهدشکنی برآید. این خسارت، بدل از انجام تعهد خود اوست نه دین مدیون اصلی، که معادل ارزش مبیع یا ثمن تقویم شده (کاتوزیان، ۱۳۸۵ الف: ۲۹۶-۲۹۳؛ در تأیید این نظر رک: جعفری لنگردوی، ۱۳۸۶: ۲۲۱).<sup>۲</sup> همچنین است در کفالت: تعهد

۱. کاتوزیان، ۱۳۸۵ الف: ۳۲۶. «در هر حال، دین بدون بدهکار تصور نمی‌شود و نباید پندار تعلق دین بر عین را پذیرفت، زیرا در جهان حقوق، اموال موضوع حق و تعهد قرار می‌گیرد نه مدیون آن».

۲. «ضمان عهده ثمن یا مبیع ناظر به بازگرداندن عین آنها است و، چون ثمن در اختیار خریدار است، ضامن انجام کاری را به عهده می‌گیرد که تنها متصرف مال توانایی آن را دارد. چنین تعهدی قابل انتقال به ذمه ضامن نیست و تعهد ضامن حتی نمی‌تواند وثیقه آن قرار گیرد. پس، ناچار بایستی قرارداد چنین تحلیل شود که ضامن در برابر مالک بر عهده می‌گیرد که متصرف را راضی به رد مال کند، و اگر موفق نشود خسارت عدم انجام تعهد خود را بپردازد... چنانکه ملاحظه می‌شود، مفاد تعهد ضامن (راضی کردن مضمون‌عنه و دادن خسارت عدم انجام تعهد) با تعهد متصرف (رد کردن مال) یکی نیست، بلکه تعهد دیگری است که موضوع آن تضمین فعل مضمون‌عنه است».

۳. «...ضامن... در درجه اول عین ثمن را گرفته و به خریدار رد کند. این تعهد اشکال ندارد و شباهت به کفالت دارد که کفیل تن، تعهد می‌کند که روی سابقه دوستی و نفوذ سخن خود، می‌تواند شخص مکفول‌عنه را احضار کند. ثانیاً اگر موفق به تسلیم عین نشد، بدل آن را بدهد... یعنی ضامن باید عین ثمن را گرفته و به خریدار بدهد».

کفیل در وهله نخست احضار مکفول است (=انجام کار) و جنبه شخصی و غیرپولی دارد (ماده ۷۳۴ ق.م.). در وهله بعد، چنانچه او نتواند به تعهد خویش عمل کند، باید خسارت متعهدله (مکفولله) را جبران کند (مواد ۷۴۰ و ۷۴۱ ق.م.). منشأ این خسارت، که حتی ممکن است مبلغی بیش از دین اصلی باشد، تعهد خود کفیل و موضوع فرعی و غیرمستقیم عقد کفالت است (ر.ک: کاتوزیان، ۱۳۸۵ الف: ۲۹۶-۲۹۳؛ جعفری لنگردوی، ۱۳۸۶: ۲۲۱). از این گذشته، برخلاف مسئولیت ترتیبی، تعهد کفیل به پرداخت وجه، منوط به نپرداختن دین از سوی مدیون یا عدم تکافوی دارایی او نیست؛ منوط به حاضر نکردن مدیون است (ماده ۷۴۰ ق.م.).

#### ۴. مصادیق مسئولیت ترتیبی

پس از آنکه مفهوم و ارکان مسئولیت ترتیبی را شناختیم، باید معیار حاصل را در مصادیق موجود بسنجیم تا نتیجه عملی بحث را بنمایند. در ادامه به برخی از این مصادیق اشاره می‌شود.

##### ۴.۱. در حقوق مدنی

##### ۴.۱.۱. مسئولیت مجنون و صغیر

ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی مقرر می‌دارد: «کسی که نگاهداری یا مواظبت مجنون یا صغیر قانوناً یا بر حسب قرارداد به عهده او می‌باشد، در صورت تقصیر در نگاهداری یا مواظبت، مسئول جبران زیان وارده از ناحیه مجنون یا صغیر می‌باشد...». بنابراین در مرحله نخست، مسئولیت جبران خسارت، بر عهده مقصر است.<sup>۱</sup> اما این ماده در ادامه می‌افزاید: «... و در صورتی که استطاعت جبران تمام یا قسمتی از زیان وارده را نداشته باشد، از مال مجنون یا صغیر زیان جبران خواهد شد و در هر صورت، جبران زیان باید به نحوی صورت گیرد که موجب عسرت و تنگ‌دستی جبران‌کننده زیان نباشد». همان‌گونه که می‌بینیم، مسئولیت، مرتبه دومی نیز دارد<sup>۲</sup> و در وهله بعدی، دین از دارایی صغیر یا مجنون وصول خواهد شد. همچنین از آن پس، مسئولیت از عهده سرپرست مقصر برداشته می‌شود و ذمه او هیچ‌گاه با دارایی مباشر

۱. در زمینه مسئولیت محافظان کودک و مجنون در برابر اشخاص ثالث و شقوق مختلف آن، ر.ک: کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۱۸۰ به بعد؛ کاتوزیان، ۱۳۸۵ ب: ۵۵۷ به بعد.

۲. برای دیدن تعبیر مشابه که مسئولیت محافظ و سرپرست را «درجه اول» می‌داند، ر.ک: صفایی و رحیمی، ۱۳۸۹: ۲۹۶ و ۲۹۷: «...حمایت از زیان‌دیده... اقتضا می‌کند که در مورد خسارات وارده از ناحیه صغیر ممیز هم، جبران زیان در درجه اول به عهده کسی باشد که موظف به نگاهداری یا مواظبت صغیر است...». همچنین ر.ک: صفایی، ۱۳۸۶: ۲۴۲.

زیان جمع نمی‌شود.<sup>۱</sup> دلیل این حکم ویژه، بیش از هر چیز رعایت انصاف و توزیع عادلانه خسارت است؛ هدفی که از آن به «حمایت دوگانه از داین و مدیون» یاد کردیم (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۵۶۰ و ۵۶۱؛ قاسم‌زاده، ۱۳۷۵: ۱۲۸؛ صفایی و رحیمی، ۱۳۸۹: ۲۹۸ و ۲۹۹؛ صفایی، ۱۳۸۶: ۲۵۱).

#### ۴.۱.۲. تعهد در پرداخت نفقه اقارب

تعهد به پرداخت نفقه اقارب (ماده ۱۱۹۸ ق.م.) به گونه‌ای است که تمکن اتفاق‌کننده، شرط استقرار آن است (ر.ک: کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۳۴۵ و ۳۴۶). روی دیگر این شرط آن است که با نبود یا ندادی نخستین متعهد یا خویشاوند نزدیک‌تر، تکلیف بر عهده درجات بعدی یا خویشان دورتر قرار می‌گیرد. بنابراین، در اینجا مسئولیت ترتیبی جاری است.<sup>۲</sup> این وضعیت، هم در مورد انفاق والدین به فرزندان جاری است و هم در خصوص انفاق فرزندان به والدین (برای مطالعه در این زمینه، ر.ک: کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۳۷۰-۳۶۱).

در بیان مسئولیت ترتیبی ابویین، ماده ۱۱۹۹ ق.م. مقرر داشته است: «نفقه اولاد بر عهده پدر است. پس از فوت پدر یا عدم قدرت او به انفاق، به عهده اجداد پدری است با رعایت الاقرب فالاقرب.<sup>۳</sup> در صورت نبودن پدر و اجداد پدری و یا عدم قدرت آنها، نفقه بر عهده مادر است. هرگاه مادر هم زنده و یا قادر به انفاق نباشد، با رعایت الاقرب فالاقرب به عهده اجداد و جدات مادری و جدات پدری واجب‌النفقه است...» ماده بالا در ادامه می‌افزاید: «... اگر چند نفر از اجداد و جدات مزبور از حیث درجه اقربیت مساوی باشند، نفقه را باید به‌حصه مساوی تأدیه کنند». بنابراین، در مرحله آخر که جدات پدری به‌همراه اجداد و جدات مادری قرار دارند، مسئولیت آنان اشتراکی و به تساوی است<sup>۴</sup> (همچنین ر.ک: ماده ۱۲۰۱ ق.م.). ماده ۱۲۰۰ نیز درباره مسئولیت ترتیبی اولاد است: «نفقه ابویین با رعایت الاقرب فالاقرب به عهده اولاد و

۱. در بیان مسئولیت ترتیبی کودک و مجنون، برخی آن را «مسئولیت مشروط» نامیده‌اند (السنهوری، ۱۹۵۲: ۸۰۶-۸۰۴؛ قاسم‌زاده، ۱۳۷۵: ۱۲۴). برخی نیز آن را «مسئولیت احتیاطی» (ر.ک: قاسم‌زاده، ۱۳۷۵، پانوش ۱۱۷) یا «مسئولیت تضامنی معلق» (صفایی و رحیمی، ۱۳۸۹: ۲۹۹؛ صفایی، ۱۳۸۶: ۲۵۰، ۲۵۱ و ۲۵۶) خوانده‌اند.

۲. برای دیدن عبارت مشابه که مسئولیت در پرداخت نفقه را دارای چند درجه می‌داند، ر.ک: صفایی و امامی، ۱۳۸۷: ۳۹۹. «در صورت نبودن پدر و اجداد پدری یا عدم قدرت آنان، نفقه در درجه سوم به عهده مادر است»؛ و همان: ۴۰۱. همچنین در شرح قانون حمایت خانواده سابق، ر.ک: همان: ۴۰۰: «... نفقه اولاد در درجه اول به‌عهده پدر و در درجه دوم به‌عهده مادر خواهد بود».

۳. بدین ترتیب، درون مرحله دوم (اجداد پدری) نیز به نوبه خود مسئولیت ترتیبی دیگری جاری است و اجداد دورتر نسبت به اجداد نزدیک‌تر، در درجات بعدی قرار دارند.

۴. برای دیدن تحلیل و نقد این حکم، ر.ک: کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۳۶۴ تا ۳۶۷.



اولاد اولاد است»<sup>۱</sup>. پس اگر اولاد نزدیک‌تر نباشند یا نتوانند نفقهٔ ابویین خویش را بدهند، در درجات بعدی اولاد دورتر مسئولیت او را پوشش می‌دهند.<sup>۲</sup> در نتیجه ذمه‌ها هیچ‌گاه با هم جمع نمی‌شود.

#### ۴.۲. در حقوق مالکیت فکری

مادهٔ ۲۸ قانون حمایت از مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۶، مقرر می‌دارد: «هرگاه متخلف از این قانون شخص حقوقی باشد، علاوه بر تعقیب جزایی شخص حقیقی مسئول که جرم ناشی از تصمیم او باشد، خسارت شاکی خصوصی از اموال شخص حقوقی جبران خواهد شد...». بنابراین، خسارت ناشی از تخلفات منسوب به شخص حقوقی، باید از دارایی‌های آن پرداخت شود. اما برای تأمین زیان‌دیده و حمایت مضاعف از او، قانونگذار در مرحلهٔ دوم، مبلغ باقی‌ماندهٔ خسارت را بر عهدهٔ شخص حقیقی (تصمیم‌گیرنده) نهاده است تا ناتوانی شرکت، به ضرر زیان‌دیده تمام نشود. مادهٔ فوق در ادامه می‌افزاید: «... و در صورتی که اموال شخص حقوقی به‌تنهایی تکافو نکند، مابه‌التفاوت از اموال مرتکب جرم<sup>۳</sup> جبران می‌شود». مسئولیت ترتیبی در حقوق مالکیت فکری، محدود به این ماده نیست: در مادهٔ ۸ از قانون «ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی» مصوب ۱۳۵۲/۱۰/۶، مادهٔ ۲۸ پیش‌گفته تکرار شده تا بیانگر عزم قانونگذار در به‌کارگیری چنین مسئولیتی باشد.<sup>۴</sup>

۱. در مادهٔ ۱۲۰۰ ق.م. نیز به‌نظر می‌رسد اولاد یا اولاد اولاد که هم‌مرتب باشند، در صورت تعدد باید به‌تساوی نفقه را بپردازند (وحدت ملاک از مادهٔ ۱۲۰۱ و بخش آخر مادهٔ ۱۱۹۹ ق.م.).

۲. همچنین می‌توان مسئولیت والدین حقیقی فرزندخوانده و پذیرندگان وی (پدرخوانده و مادرخوانده) را برای تأمین نفقهٔ او، در طول هم و ترتیبی خواند؛ به این شکل که اگر حسب مورد یکی از این دو دسته نتواند نفقهٔ فرزندخوانده را بپردازد، با تعیین قانونگذار، دیگری جایگزین او شود. در حقوق فرانسه، چنین است و تکلیف ابویین، پوششی برای مسئولیت پدرخوانده و مادرخوانده است (Bénabent, 1996: 499, 598; Hauser et Huet-Weiller, 1993: 718, 983; Plissier, 1961: 115).

برای مطالعهٔ بیشتر در این زمینه، ر.ک: شریعتی‌نسب و صادقی‌مقدم، ۱۳۹۱: ۱۵۰؛ شریعتی‌نسب، ۱۳۹۰: ۱۴۱، ۱۴۲ و ۱۵۲.

۳. به‌نظر نمی‌رسد جرم بودن عمل در این حکم قانونگذار خصوصیتی داشته باشد. آنچه اهمیت دارد، ایجاد خسارت در نتیجهٔ نقض مقررات است. در تأیید این نظر، ر.ک: امامی، ۱۳۸۶: ۲۵۲ و ۲۵۳؛ قبولی‌ذرافشان و محسنی، ۱۳۹۱: ۱۸۶.

۴. مادهٔ ۸ قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی: «هرگاه متخلف از این قانون شخص حقوقی باشد، علاوه بر تعقیب جزایی شخص حقیقی مسئول که جرم ناشی از تصمیم او باشد، خسارات شاکی خصوصی از اموال شخص حقوقی جبران خواهد شد. در صورتی که اموال شخص حقوقی به‌تنهایی تکافو نکند، مابه‌التفاوت از اموال شخص حقیقی مسئول جبران می‌شود».

### ۴.۳. در حقوق تجارت

#### ۴.۳.۱. مسئولیت شرکای شرکت

شخص حقوقی، دارای شخصیتی مستقل از شرکا و مؤسسان خود است. بنابراین دارایی شرکت نیز متعلق به خود شرکت و مستقل از ایشان است: شخص حقوقی می‌تواند مستقلاً مالک یا بدهکار یا بستانکار شود. این شخصیت تا هنگامی که شرکت پابرجاست، باقی می‌ماند و حتی در صورت انحلال نیز تا ختم امور تصفیه، ادامه دارد (ماده ۲۰۸ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت، مصوب ۱۳۴۷).<sup>۱</sup> با وجود این، گاهی مسئولیت شرکا پوششی برای مسئولیت شرکت است و طلب بستانکاران شرکت، پس از انحلال بر عهده شریک شرکت قرار می‌گیرد. ماده ۱۲۶ قانون تجارت در مورد شرکت تضامنی مقرر می‌دارد: «هر گاه شرکت تضامنی منحل شود... اگر دارایی شرکت برای پرداخت قروض آن کفایت نکند، طلبکاران شرکت حق دارند بقیه طلب خود را از تمام یا فرد فرد شرکای ضامن مطالبه کنند...». همان‌گونه که می‌بینیم، در مرحله نخست دیون شرکت از دارایی‌های آن وصول می‌شود. اما اگر این دارایی برای پرداخت بدهی‌ها کافی نبود، در مرحله دوم دیون شرکت از دارایی شخصی شرکا برداشت می‌شود. همچنین در دومین مرحله، به حکم قانون، مسئولیت اشتراکی (تضامنی) است (اسکینی، ۱۳۸۵: ۱۵۱).<sup>۲</sup> این شرایط، در شرکت نسبی نیز برای مراجعه به شرکا وجود دارد (مواد ۱۸۶ و ۱۸۷ قانون تجارت). منتها در اینجا، مسئولیت شرکا در دومین مرحله، نسبی است و هر کدام به نسبت سرمایه‌ای که دارند، مسئول پرداخت دیون شرکت خواهند بود.

#### ۴.۳.۲. مسئولیت مدیران مقصر در شرکت سهامی

ماده ۱۴۳ لایحه اصلاحی قانون تجارت، به مسئولیت ترتیبی شرکت و مدیران، در شرکت سهامی اشاره دارد. وفق این ماده، اگر شرکتی به دلیل قصور مدیر یا مدیران خود، پس از انحلال قادر به پرداخت تمام دیون خویش نباشد، بستانکاران شرکت می‌توانند در مرحله دوم به مدیر مزبور مراجعه و باقی‌مانده طلب را از او وصول کنند. در این ماده می‌خوانیم: «در صورتی که شرکت ورشکسته شود یا پس از انحلال معلوم شود که دارایی شرکت برای تأدیه دیون آن کافی نیست، دادگاه صلاحیت دار می‌تواند به تقاضای هر ذی‌نفع، هریک از مدیران و یا مدیرعاملی را که ورشکستگی شرکت یا کافی نبودن دارایی شرکت به‌نحوی از انجا معلول تخلفات او بوده است، منفرداً یا متضامناً به تأدیه آن قسمت از دیونی که پرداخت آن از دارایی شرکت ممکن نیست، محکوم نماید». بنابراین، بستانکاران شرکت پس از انحلال آن، در درجه

۱. همچنین ر.ک: اسکینی، ۱۳۸۵: ۱۳۸ و ۱۳۹.

۲. در شرکت مختلط غیرسهامی، مواد ۱۵۱ و ۱۵۶ قانون تجارت حکمی مشابه دارد.

نخست باید طلب خود را از دارایی‌های شرکت وصول کنند. اما اگر دارایی شرکت کفاف دیون آن را نکند (به دلیل ورشکستگی یا علت دیگری که پس از انحلال معلوم می‌شود)، در مرحله دوم، دارایی مدیران متخلف، پوشش بدهی‌های شرکت خواهد بود.<sup>۱</sup>

#### ۴.۴. در حقوق کیفری

دیه در حقوق کیفری، نوعی دین است و ماهیت مسئولیت مدنی دارد (ر.ک: ابن تراب، ۱۳۸۶: ۲۸ - ۲۶؛ یزدانیان، ۱۳۹۰: ۱۵۹ - ۱۳۹).<sup>۲</sup> گاهی قانونگذار برای پرداخت دیه، مسئولیت ترتیبی پیش‌بینی کرده است تا هم از مدیونین و هم از زیان‌دیده (مجنی علیه) حمایت مؤثرتری کند. عمده این موارد، در خصوص ضمان عاقله (مرحله نخست) است که با مسئولیت جانی یا بیت‌المال (مرحله دوم یا سوم) پوشش داده می‌شود. در قانون جدید (ق.ج.م.ا.) مقررات کاملی در این باره به چشم می‌خورد. در این زمینه، ماده ۴۷۰ این قانون مقرر داشته: «در صورتی که مرتکب دارای عاقله نباشد یا عاقله او به دلیل عدم تمکن مالی نتواند دیه را در مهلت مقرر بپردازد، دیه توسط مرتکب و در صورت عدم تمکن، از بیت‌المال پرداخت می‌شود...». پس مسئولیت پرداخت دیه در اینجا سه مرحله دارد: نخست عاقله، دوم مرتکب، و سوم بیت‌المال.

ماده ۴۳۵ ق.ج.م.ا. نیز به ترتیب، مرتکب، عاقله و بیت‌المال را مسئول دیه دانسته است. در این ماده می‌خوانیم: «هرگاه در جنایات عمدی، به علت مرگ یا فرار، دسترسی به مرتکب ممکن نباشد، با درخواست صاحب حق، دیه جنایت از اموال مرتکب پرداخت می‌شود و در صورتی که مرتکب مالی نداشته باشد، در خصوص قتل عمد، ولی دم می‌تواند دیه را از عاقله بگیرد و در صورت نبود عاقله یا عدم دسترسی به آنها یا عدم تمکن آنها، دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود و در غیر قتل، دیه بر بیت‌المال خواهد بود». همچنین است در مواد ۴۷۱،<sup>۳</sup> ۴۷۴ و ۴۷۵<sup>۴</sup> این قانون. از اینها گذشته، مسئولیت عاقله، در درون خود نیز ترتیبی و البته

۱. منظور از عبارت «منفرداً یا متضامناً» در انتهای ماده، نحوه توزیع مسئولیت میان مدیران متخلفی است که همگی در یک مرتبه قرار دارند.

۲. ماده ۴۵۲ قانون جدید مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ مقرر می‌دارد: «دیه حسب مورد حق شخصی مجنی علیه یا ولی دم است و احکام و آثار مسئولیت مدنی یا ضمان را دارد...».

۳. «هرگاه فرد ایرانی از اقلیت‌های دینی شناخته شده در قانون اساسی که در ایران زندگی می‌کند مرتکب جنایت خطای محض گردد، شخصاً عهده‌دار پرداخت دیه است. لکن در صورتی که توان پرداخت دیه را نداشته باشد، به او مهلت مناسب داده می‌شود و اگر با مهلت مناسب نیز قادر به پرداخت نباشد، معادل دیه توسط دولت پرداخت می‌شود».

۴. «در جنایت شبه‌عمدی در صورتی که به دلیل مرگ یا فرار به مرتکب دسترسی نباشد، دیه از مال او گرفته می‌شود و در صورتی که مال او کفایت نکند، از بیت‌المال پرداخت می‌شود».

۵. «در جنایت خطای محض، در مواردی که پرداخت دیه بر عهده مرتکب است، اگر به علت مرگ یا فرار دسترسی به او ممکن نباشد، دیه جنایت از اموال او پرداخت می‌شود و در صورتی که مرتکب مالی نداشته باشد، دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود».

اشتراکی (به تساوی) است.<sup>۱</sup> اما جایی را که به علت فرار یا مرگ مرتکب، دیه از اموال او پرداخت می‌شود، نباید با مسئولیت ترتیبی اشتباه گرفت، زیرا در این فرض، تعدد دارایی برای وصول دین وجود ندارد و از این حیث، میان «مال» و «ذمه» مرتکب فرقی نیست.<sup>۲</sup>

## ۵. قواعد عمومی مسئولیت ترتیبی

اکنون موقع آن رسیده است که با استقرا از مصادیق پراکنده مسئولیت ترتیبی، قواعد عمومی آن را استخراج کنیم. این کار چند فایده دارد: ۱. اصل و استثنا را می‌نماید؛ ۲. در موارد سکوت و اجمال و ابهام، به کار می‌آید و خلأها و کاستی‌ها را می‌پوشاند؛ ۳. محاسن و معایب این نوع مسئولیت را در عمل می‌نماید و در به‌کارگیری آن راهنماست.

### ۵.۱. هدف مسئولیت ترتیبی

درباره هدف مسئولیت ترتیبی، دو پرسش اساسی وجود دارد: ۱. هدف از وضع این مسئولیت، حمایت از داین است یا حمایت از مسئولان دین؟ ۲. این نوع مسئولیت در کنار دیگر مفاهیم مشابه، چه جایگاهی دارد؟ آیا باید آن را گونه‌ای ناقص از مسئولیت تضامنی دانست که در میانه راه تکامل مانده و از ادامه مسیر باز مانده است، یا فلسفه ویژه‌ای آن را ایجاب می‌کند؟ پاسخ این پرسش، اقبال به این مسئولیت یا طرد آن را توجیه می‌کند.<sup>۳</sup> در پاسخ به پرسش نخست باید گفت اصولاً قانونگذار چنین مسئولیتی را برای حمایت دوگانه از داین و مدیون پیش‌بینی می‌کند تا هم داین بتواند در چند مرحله و با به‌دست آوردن چند دارایی، طلب خویش را وصول کند، و هم با انتقال دین به مرتبه‌های بعدی، از بار مسئولیت مدیونین مرحله

۱. ماده ۴۶۸ ق.ج.م.ا. در تعریف عاقله آورده است: «عاقله عبارت از پدر، پسر، و بستگان ذکور نسبی پدری و مادری، یا پدری به ترتیب طبقات ارث است. همه کسانی که در زمان فوت می‌توانند ارث ببرند، به صورت مساوی مکلف به پرداخت دیه می‌باشند. بنابراین اولاً به تبع طبقات ارث (ماده ۸۶۲ ق.م.ا.)، مسئولیت عاقله نیز سه درجه دارد و با نبودن هرکدام از طبقات، دین به طبقه بعدی منتقل می‌شود (طباطبایی حائری، ۱۴۱۸ق: ۵۸۳)؛ چنانکه با نبود هریک از طبقات نزدیک‌تر، ارث نیز به طبقه بعدی می‌رسد (ماده ۸۶۳ ق.م.ا.)؛ ثانیاً در میان هر درجه از عاقله که مکلف به پرداخت دیه شد، مسئولیت مشترک و به میزان مساوی است (بخش دوم ماده ۴۶۸ ق.ج.م.ا.).

۲. مسئولیت صندوق تأمین خسارت‌های بدنی موضوع مواد ۲۱، ۲۴، ۲۵ و ۲۸ از قانون «بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه» مصوب ۱۳۹۵/۲/۲۰ را نیز می‌توان در مواردی، نسبت به مسئولیت مسبب حادثه یا بیمه‌گر، مسئولیتی ترتیبی و درجه دوم دانست (برای مطالعه در مورد شخصیت حقوقی صندوق، رک: خدابخشی شلمزاری، ۱۳۸۸: ۱۹۸-۱۸۵؛ و در زمینه وحدت دین صندوق و مسبب حادثه یا بیمه‌گر، رک: بابایی، ۱۳۸۹: ۲۴۴. همچنین مسئولیت مالک کشتی را نسبت به «حساب مخصوص» موضوع مواد ۷۶ و ۷۷ از قانون دریایی مصوب ۱۳۴۳/۶/۲۹ می‌توان مرحله دوم شمرده (مفهوم مخالف بند ۴ ماده ۷۶ قانون مزبور).

۳. اگر این مسئولیت مفهومی کهنه و ویژه دوره گذار باشد، استفاده از آن توجیهی ندارد. اما اگر آن را دارای فلسفه زنده‌ای بدانیم، همچنان می‌تواند در موارد مناسب به کار آید.

پیشین کاسته شود. چنانکه در نفقه اقارب، مراجعه به خویشاوند دورتر، افزون‌بر آنکه تأمین برای مستحق نفقه است، به سود خویش نزدیک‌تر هم است تا او را دچار تنگدستی نسازد. وضع سرپرست (محافظ) ناتوان در برابر زیان‌دیدگان نیز چنین است و با مراجعه به دارایی محجور، ذمه سرپرست از دین رها می‌شود تا موجب فشار مضاعف بر وی نباشد. در ضمان عاقله نیز همین هدف جاری است و مسئولیت درجات بعدی، به سود درجات پیشین هم هست.<sup>۱</sup> پس در تفسیر احکام، نباید یکسره به حقوق بستانکار نظر کرد؛ باید منافع مسئولان دین را هم در نظر گرفت و جانب ایشان را نیز نگاه داشت.

در پاسخ به دومین پرسش نیز باید گفت اگرچه مسئولیت ترتیبی از جهاتی شبیه به مسئولیت تضامنی است، نباید این نهاد را گونه‌ای ناقص یا تکامل‌نیافته پنداشت: این مسئولیت نیز فلسفه و مزایایی دارد که با مسئولیت اشتراکی تأمین نمی‌شود: در مسئولیت اشتراکی، از آنجا که اشخاص، هم‌پایه مسئول قرار می‌گیرند، وضعیت شایسته‌موردی است که نقش افراد در پیدایش زیان یا ایجاد دین یکسان باشد (مانند ضمان غاصبان و شرکای جرم) یا دست‌کم زیان اجمالاً به همگی آنان منسوب شود (مانند مسئولیت نماینده و صاحب حساب، یا مسئولیت اسباب متعدد حادثه). اما گاهی نقش اشخاص در تحقق دین، یا سزاواری آنان برای تحمل مسئولیت، به یک اندازه نیست و انصاف حکم می‌کند میان آنان فرقی باشد. چنانکه درجات نزدیک‌تر، برای تحمل مسئولیت، از درجات دورتر سزاوارترند. این فلسفه، همچنان پویا و زنده است و می‌تواند در خدمت قانون باشد.

## ۵.۲. رابطه میان مسئولان ترتیبی

درباره رابطه میان مسئولان ترتیبی، دو پرسش عمده قابل طرح است: ۱. آیا اگر مسئول درجه بعدی، دین را پرداخت کند، می‌تواند تمام یا بخشی از آن را از مسئول درجه قبل بخواهد؟ ۲. رابطه میان مسئولان متعددی که همگی در یک مرتبه قرار دارند چگونه است؟ آیا ایشان می‌توانند پس از پرداخت دین، به یکدیگر رجوع کنند؟

در پاسخ به نخستین پرسش، با توجه به فلسفه‌ای که برای مسئولیت ترتیبی در حمایت دوگانه از داین و مدیون بیان شد، باید گفت اصولاً و وفق قاعده، هر ردیف از مدیونین، دین خویش را می‌پردازند و نمی‌توانند بابت ادای دین خود، به مدیونین مرتبه قبل مراجعه کنند. قانونگذار نیز با انتقال دین به مرحله بعدی، مرحله پیشین را از مسئولیت می‌رهاند تا از او نیز دستگیری کند. آنچه گفته شد، اقتضای اجرای قاعده در حالت طبیعی است. اما در برخی موارد

۱. برای دیدن نظر موافق که در ضمان عاقله، هدف را حمایت از جانی و ارفاق به او می‌داند، رک: محقق حلی، ۱۴۱۲ق:

استثنایی، فقط مرتبه نخست از مدیونین، مسئول اصلی پرداخت دین هستند و مراتب بعدی، صرفاً برای تضمین حق داین، و حسب ضرورت، مسئول شمرده شده‌اند. در این حالت، مدیونین مرتبه بعدی، پس از ایفای دین، می‌توانند برای مطالبه آن به مراتب قبلی رجوع کنند. بنابراین حسب مورد، حکم قاعده و استثنای آن به شرح زیر است:

الف) قاعده: هر گاه مسئول مرتبه بعدی، خود نیز در کنار مرتبه پیشین، سهمی از دین را بر عهده دارد و تعهد یا زیان منسوب به او نیز است، یا اساساً دین در مرحله نهایی تنها بر ذمه او مستقر خواهد شد (ملاک ماده ۳۱۸ ق.م.)، یا اینکه مسئولیت به صورت بدلی و واجب کفایی است، نمی‌تواند پس از ادای دین، حقی طلب کند، زیرا در حقیقت دین خویش را پرداخته است. بنابراین اگر مدیر شرکت به علت قصوری که کرده محکوم به جبران خسارت زیان‌دیدگان شود (ماده ۱۴۳ لایحه اصلاحی قانون تجارت)، نمی‌تواند به شرکت مراجعه کند، زیرا در نهایت خسارت منسوب به اوست.<sup>۱</sup> همچنین اگر جانی در جرائم خطایی، به علت نداری عاقله شخصاً ناچار از پرداخت دیه شود (ماده ۴۷۰ ق.ج.م.ا.)، امکان رجوع به ایشان را ندارد، چراکه مسئول اصلی خود اوست (محقق حلی، ۱۴۱۲ق: ۳۶۷). دولت (بیت‌المال) نیز در مواردی که به علت نداری عاقله دیه را می‌پردازد، نمی‌تواند به آنها مراجعه کند، زیرا دولت نیز در تأمین امنیت اجتماعی سهمی دارد و مجنی‌علیه را نیز بر بیت‌المال حقی هست. پرداخت دیه نیز در اینجا تکلیفی بدلی است.<sup>۲</sup> تعهد انفاق‌کنندگان دورتر به جای خویشان نزدیک‌تر نیز اصولاً تابع همین قاعده است، زیرا آنان نیز دین خود را داده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۳۶۸). طفل یا مجنون خطاکار نیز نمی‌تواند پس از دارا شدن محافظ خویش، به او رجوع کند (صفایی و رحیمی، ۱۳۸۹: ۲۹۹).<sup>۳</sup>

ب) استثنا: اما هنگامی که مرتبه نخست، مدیون اصلی است و مراتب بعدی هیچ نقشی در ایجاد دین ندارند و جایگاه آنها فرعی و تنها به منظور حمایت از داین است، مراجعه آنها به مدیون اصلی امکان‌پذیر است (ملاک ماده ۳۱۸ ق.م.). به نظر می‌رسد در مواردی که عاقله یا بیت‌المال به علت فرار جانی، ناگزیر از پرداخت دیه می‌شوند (مواد ۴۳۵، ۴۷۴ و ۴۷۵

۱. همچنین است در مورد نماینده متخلف شخص حقوقی (ماده ۲۸ قانون حمایت از مؤلفان و مصنفان و هنرمندان). برای نظر مخالف که رجوع شخص حقیقی را پس از دارا شدن شخص حقوقی ممکن می‌داند، ر.ک: امامی، ۱۳۸۶: ۲۷۷.  
 ۲. به‌ویژه که رویه قانونگذار در چنین مواردی آن است که اگر به حق مراجعه دولت نظر داشته باشد، آن را به‌صراحت بیان می‌دارد؛ چنانکه درباره معسر از هزینه دادرسی اعلام کرده است (ر.ک: مواد ۵۱۱ و ۵۱۴ ق.آ.د.م. ۱۳۷۹ و مواد ۳۴ و ۱۹ قانون اعسار مصوب ۱۳۱۰ و تبصره ۱ ماده ۱۱ و نیز مفهوم ماده ۱۸ از قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴).  
 ۳. برای دیدن نظری که صغیر یا مجنون را «باعث» ضرر و جبران خسارت از مال ایشان را عادلانه‌تر از جبران نشدن آن می‌داند، ر.ک: کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۵۶۱.

ق.ج.م.ا.)، می‌توانند به او رجوع کنند.<sup>۱</sup> همچنین است در فرضی که خویشاوند نزدیک‌تر با وجود تمکن مالی، نفقه را نپردازد یا در دسترس نباشد و به این علت، خویشاوند دورتر ناگزیر از پرداخت نفقه شود (برای نظر موافق ر.ک: کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۳۶۹-۳۶۷). اما در مواردی که عاقله اصالتاً مسئول دیه است و همچنین در مواردی که به علت نداری جانی (نه فرار او)، دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود، عاقله یا دولت نمی‌توانند به مرتکب رجوع کنند.<sup>۲</sup> همچنین است در نفقه اقارب.

در خصوص پرسش دوم (رابطه مسئولان متعدد در یک مرتبه)، باید به نحوه توزیع مسئولیت میان آنان نگریست: هر گاه مسئولیت ایشان در برابر داین، تضامنی باشد (ر.ک: ماده ۱۲۶ ق.ت.)، پس از پرداخت دین، حسب مورد می‌توانند بنا به قاعده تسهیم (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۲۳۵ و ۲۳۶؛ اسکینی، ۱۳۸۵: ۱۷۳)، یا به تناسب (ماده ۳۲۰ ق.م. و انتهای ماده ۱۲۴ ق.ت.)، به یکدیگر رجوع کنند. اما اگر به تساوی یا به نسبت عهده‌دار دین باشند (انتهای ماده ۱۱۹۹ ق.م. و مواد ۱۸۶ و ۱۸۷ ق.ت.)، قاعدتاً هر کس سهم خویش را می‌پردازد و نمی‌تواند به دیگران مراجعه کند.<sup>۳</sup>

### ۵.۳. گستره مسئولیت ترتیبی

در این باره، دو پرسش قابل طرح است: ۱. اگر دارایی نخستین مرحله، کفاف تمام طلب بستانکار را ندهد، اما برای پرداخت بخشی از آن کافی باشد، او باید هر مقدار که توانایی دارد بپردازد، یا تمام دین از عهده او ساقط و به درجه بعدی منتقل می‌شود؟ ۲. در فرض سکوت

۱. امکان رجوع صندوق تأمین خسارت‌های بدنی به مسبب حادثه یا بیمه‌گر نیز تابع همین قاعده است (ماده ۲۵ قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۹۵).

۲. در این باره اختلاف است: عده‌ای رجوع عاقله به مرتکب را موافق اصل می‌دانند (یزدانیان، ۱۳۹۰: ۱۴۸-۱۴۵)، و عده‌ای مخالف با اصل (محقق حلی، ۱۴۱۲ق: ۳۶۷؛ ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰ق: ۳۳۵؛ موسوی اردبیلی، به نقل از حیدری، ۱۳۸۴: ۲۰۳ و ۲۰۴). برخی نیز میان توانگری و نداری جانی در هنگام رجوع فرق گذاشته‌اند و مراجعه عاقله به جانی ثروتمند را جایز شمرده‌اند (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق: ۷۳۷). با وجود این، به نظر می‌رسد چنانکه آمد، باید میان فرضی که عاقله اصالتاً مسئول است و در جای خود دیه را می‌دهد، و موردی که خارج از محل و به علت فرار جانی مسئول قرار می‌گیرد، تفاوت گذاشت. در خصوص بیت‌المال نیز همین تفکیک منطقی و منصفانه به نظر می‌رسد.

۳. با وجود این، اگر یکی از مسئولین به حکم ضرورت ناچار از پرداخت سهم دیگران شود، می‌تواند آنچه را پرداخته مطالبه کند (ملاک مواد ۳۰۶ و ۳۱۸ ق.م.). مگر در مواردی که تمکن مالی، شرط مسئولیت است و به این دلیل، دین ناتوان بر عهده توانگر قرار می‌گیرد (ر.ک: کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۳۶۹-۳۶۴). بر این اساس در فرضی که چند تن از خویشاوندان به طور مساوی ملزم به انفاق هستند (مواد ۱۱۹۹ و ۱۲۰۱ ق.م.)، اگر یکی از آنها توانایی مالی نداشته باشد، دیگران می‌باید سهم او را بپردازند و در آینده نیز نمی‌توانند از او مطالبه کنند (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۳۶۹-۳۶۴). همچنین است در مورد ضمان عاقله که تمکن مالی در آن شرط مسئولیت است (ماده ۴۶۹ ق.ج.م.ا.). پس دین تنها میان آنها که توانایی مالی دارند، به تساوی تقسیم می‌شود (ر.ک: گرجی، ۱۳۶۶: ۹۳).

قانون، آیا هریک از مسئولان متعدد در یک مرحله، باید تمام دین را بپردازد، یا نسبت و سهم مشخصی از آن را؟ در مورد پرسش نخست باید گفت قاعده<sup>۱</sup> آن است که نخستین مرتبه از مدیونین، باید هر مقداری از دین را که در توان اوست، بپردازد و مسئولیت مرتبه بعدی، محدود به بخش باقی مانده دین است. زیرا هم حمایت از داین چنین اقتضا دارد که از هر مرحله، تا حد ممکن طلب خود را وصول کند؛ و هم حمایت از مدیونین مراتب بعدی، مستلزم سبک کردن دین آنان است. ماده ۲۸ قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان در این زمینه صریح است و مسئولیت نماینده شخص حقوقی را محدود به بخش باقی مانده خسارت کرده است.<sup>۲</sup> درباره مسئولیت شرکا یا مدیران شرکت نسبت به طلب اشخاص ثالث نیز قانون تجارت همین رویکرد را دارد: مواد ۱۲۶ و ۱۵۷ قانون تجارت در مورد مسئولیت شرکای ضامن، از مطالبه «بقیه طلب» سخن گفته است.<sup>۳</sup> همچنین است ماده ۱۴۳ لایحه اصلاحی قانون تجارت که برای تعیین مسئولیت مدیران مقصر آورده است: «آن قسمت از دیونی که پرداخت آن از دارایی شرکت ممکن نیست». در مورد ضامن عاقله نیز چنین است و هر بخش از دیه را که ایشان بپردازند، از مسئولیت دولت و جانی کاسته می شود (طباطبایی حائری، ۱۴۱۸ق: ۵۸۳؛ شیخ طوسی، ۱۳۸۷: ۱۷۴). در مسئولیت ترتیبی سرپرست و مجنون یا صغیر نیز وضع بر همین منوال است<sup>۴</sup> (رک: قاسم زاده، ۱۳۷۵: ۱۲۸). همچنین است درباره نفقه اقارب. درباره پرسش دوم (میزان تعهد هریک از مسئولان هم مرتبه) نیز باید گفت اگر در یک مرتبه، چند مسئول برای دین باشد، قاعده آن است که باید به نسبت مساوی آن را بپردازند (قاعده تسهیم)؛ مگر آنکه قانونگذار سهم یا نسبتی معین کند یا مسئولیت را تضامنی بداند.

۱. «ما لایترک کله، لایترک کله» و «لایترک المیسور بالمعسور».

۲. ماده ۲۸ قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان: «... در صورتی که اموال شخص حقوقی به تنهایی تکافو نکند، مابه التفاوت از اموال مرتکب جرم جبران می شود».

۳. ماده ۱۲۶ قانون تجارت: «... اگر دارایی شرکت برای پرداخت قروض آن کفایت نکند، طلبکاران شرکت حق دارند بقیه طلب خود را از تمام یا فرد فرد شرکای ضامن مطالبه کنند...». ماده ۱۵۷ قانون تجارت: «اگر دارایی شرکت برای تأدیه تمام قروض آن کافی نباشد، طلبکاران آن حق دارند بقیه طلب خود را از دارایی شخصی تمام یا هریک از شرکای ضامن وصول کنند...».

۴. چنانکه ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی مقرر داشته است، در صورتی که سرپرست «... استطاعت جبران تمام یا قسمتی از زیان وارده را نداشته باشد، از مال مجنون یا صغیر زیان جبران خواهد شد...». برای دیدن نظر موافق، رک: کاتوزیان، ۱۳۸۵ب: ۵۶۱: «... ایجاد تنگدستی برای محافظ، در حکم موردی است که او استطاعت جبران خسارت را ندارد، باید تا جایی که امکان دارد ضرر را از مال او جبران کرد و بقیه را از دارایی محجوران برداشت». همچنین رک: درودیان، ۱۳۷۶: ۲۳: «... به موجب ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی، بر حسب مورد خسارت کلاً یا جزئاً از مال صغیر یا مجنون جبران می شود».



## ۶. نتیجه

مسئولیت ترتیبی یا پوششی، مسئولیتی است که به ترتیب و در چند مرحله، بر عهده اشخاص متفاوتی قرار می‌گیرد و هر بار یک یا چند ذمه را به‌نحو بدلی مشغول می‌سازد. با استقرا از مقررات پراکنده، می‌توان برای مسئولیت ترتیبی سه رکن زیر را برشمرد: ترتب و تعدد دارایی‌ها و وحدت دین. در حقوق ایران، می‌توان مصادیق پراکنده‌ای برای این نوع مسئولیت یافت. تعهد خویشاوندان در انفاق اقارب؛ مسئولیت صغیر و مجنون به جبران زبانی که خود به‌بار آورده‌اند؛ مسئولیت شرکای ضامن و نسبی در شرکت؛ مسئولیت نماینده متخلف شخص حقوقی؛ مسئولیت عاقله و جانی و دولت (بیت‌المال) در پرداخت دیه جنایات؛ نمونه‌هایی از مسئولیت ترتیبی‌اند. با استقرا از همین مصادیق، می‌توان در پاره‌ای زمینه‌ها، قواعدی عمومی برای مسئولیت‌های ترتیبی پایه ریخت. برخی از این زمینه‌ها عبارت‌اند از: هدف مسئولیت، رابطه مسئولان و گستره مسئولیت.

## بیانیه نبود تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند که تعارض منافع وجود ندارد و تمام مسائل اخلاق در پژوهش را شامل پرهیز از دزدی ادبی، انتشار و یا ارسال بیش از یک بار مقاله، تکرار پژوهش دیگران، داده‌سازی یا جعل داده‌ها، منبع‌سازی و جعل منابع، رضایت ناآگاهانه سوژه یا پژوهش‌شونده، سوءرفتار و غیره، به‌طور کامل رعایت کرده‌اند.

## منابع

### الف) فارسی و عربی

۱. ابن ادریس حلی، محمد بن منصور بن احمد (۱۴۱۰ق). *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*، ج ۳، ج دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲. ابن تراب، مریم (۱۳۸۶). «ضمان عاقله و جایگاه آن در جامعه کنونی»، *ماهنامه فقه و حقوق خانواده (نمای صادق)*، ش ۴۵ و ۴۶، بهار و تابستان، ص ۳۳-۱۲. در: DOI: 10.30497/flj.2007.68018
۳. اسکینی، ربیعا (۱۳۸۵). *حقوق تجارت، شرکت‌های تجاری*، ج ۱، ج دهم، تهران: سمت.
۴. امامی، اسدالله (۱۳۸۶). *حقوق مالکیت معنوی*، ج ۱ (حقوق مالکیت ادبی، هنری و فنی)، ج اول، تهران، میزان.
۵. بابایی، ایرج (۱۳۸۹). *حقوق بیمه*، ج نهم (ویراست دوم)، تهران: سمت.
۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۶). *ضمان عقودی در حقوق مدنی*، ج اول، تهران: کتابخانه گنج دانش.
۷. ----- (۱۳۸۸). *حقوق مدنی، رهن و صلح*، ج چهارم (ج سوم گنج دانش)، تهران: کتابخانه گنج دانش.
۸. حیدری، عباسعلی (۱۳۸۴). «نگاهی به مسئولیت عاقله در پرداخت دیه»، *فصلنامه فقه (کاووسی نو در فقه اسلامی)*، سال دوازدهم، ش ۴۵، پاییز، ص ۲۰۵-۱۷۵. در: [https://jf.isca.ac.ir/article\\_3223.html](https://jf.isca.ac.ir/article_3223.html) (۱۳ مرداد ۱۳۹۵).
۹. خدابخشی شلمزاری، عبدالله (۱۳۸۸). *بیمه و حقوق مسئولیت مدنی*، ج اول، تهران: روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.
۱۰. درودیان، حسن‌علی (۱۳۷۶). «مسئولیت ناشی از فعل اشخاصی که تحت مراقبت و مواظبت دیگری هستند (مسئولیت سرپرست و محافظ صغیر یا مجنون)»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشکده حقوق دانشگاه تهران*، دوره ۳۶، ش پیاپی ۱۰۵۸، بهار، ص ۴۰-۵. در: [https://journals.ut.ac.ir/article\\_14240.html](https://journals.ut.ac.ir/article_14240.html) (۷ آبان ۱۳۹۴).

۱۱. السنهوری، عبدالرزاق احمد (۱۹۵۲). *الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید*، ج ۱، مصادر الالتزام، بی‌جا.
۱۲. شریعتی‌نسب، صادق (۱۳۹۰). *فرزندخواندگی*، ج اول، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
۱۳. شریعتی‌نسب، صادق؛ محمدحسن صادقی‌مقدم (۱۳۹۱). «مطالعه تطبیقی "اتفاق در فرزندخواندگی" در حقوق ایران و فرانسه»، *دوفصلنامه علمی و پژوهشی نامه مفید، حقوق تطبیقی*، سال هجدهم، ش ۹۴، ج ۸، ش ۲، زمستان، ص ۱۶۰-۱۳۹. در: [http://law.mofidu.ac.ir/article\\_47029.html](http://law.mofidu.ac.ir/article_47029.html) (۱۶ خرداد ۱۳۹۶).
۱۴. شیخ طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۳۸۷ق). *المبسوط فی فقه الإمامیه*، ج ۷، ج سوم، تهران: المکتبه المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریه.
۱۵. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری (۱۴۱۳ق). *المفنیعه*، ج اول، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
۱۶. صفایی، سید حسین (۱۳۸۶). *مقالاتی درباره حقوق مدنی و حقوق تطبیقی*، مقاله دوم از قسمت سوم (مسئولیت مدنی ناشی از فعل زیان‌آور صغیر و مجنون (مطالعه تطبیقی))، ج دوم، تهران: میزان.
۱۷. صفایی، سید حسین؛ اسدالله امامی (۱۳۸۷). *مختصر حقوق خانواده*، ج پانزدهم (ویرایش سوم)، تهران: میزان.
۱۸. صفایی، سید حسین؛ حبیب‌الله رحیمی (۱۳۸۹). *مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)*، ج اول، تهران: سمت.
۱۹. طباطبایی حائری، سید علی بن محمد (۱۴۱۸ق). *ریاض المسائل*، ج ۱۶، ج اول، قم: مؤسسه آل‌البیت (ع).
۲۰. قاسم‌زاده، سید مرتضی (۱۳۷۵). «مسئولیت مدنی شخص غیرممیز»، *فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی*، ش ۲، تابستان، ص ۸۷-۱۲۸. در: [https://jlvviews.ujss.ac.ir/files/site1/files/x\\_16--.pdf](https://jlvviews.ujss.ac.ir/files/site1/files/x_16--.pdf) (۱۷ آذر ۱۳۹۶).
۲۱. قبولی درافشان، سید محمدمهدی؛ سعید محسنی (۱۳۹۱). «ضمانت‌اجراهای مدنی حمایت‌کننده از حقوق ادبی و هنری»، *فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، دوره ۴۲، ش ۴، زمستان، ص ۱۹۶-۱۷۷. در: DOI: 10.22059/jlq.2013.32000
۲۲. کاتوزیان، ناصر (۱۳۳۳). «اثر عقد ضمان (۳)»، *مجله کانون وکلا*، دوره اول، ش ۳۸، خرداد و تیر، ص ۱۰-۶. در: <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/70312/> (۲۹ بهمن ۱۳۹۵).
۲۳. ----- (۱۳۸۲). *حقوق مدنی، نظریه عمومی تعهدات*، ج دوم، تهران: میزان.
۲۴. ----- (۱۳۸۳). *حقوق مدنی، خانواده*، ج ۲، ج ششم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۲۵. ----- (۱۳۸۴). *حقوق مدنی، ایقاع*، ج سوم، تهران: میزان.
۲۶. ----- (۱۳۸۵الف). *حقوق مدنی، دوره عقود معین*، ج ۴ (عقود اذنی- وثیقه‌های دین)، ج پنجم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۲۷. ----- (۱۳۸۵ب). *الزام‌های خارج از قرارداد (دو جلد در یک مجلد)*، ج پنجم، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۲۸. گرجی، ابوالقاسم (۱۳۶۶). «ضمان عاقله»، *فصلنامه حق (مطالعات حقوقی و قضایی)*، ش ۱۱ و ۱۲، پاییز و زمستان، ص ۹۴-۷۸. در: <http://ensani.ir/fa/article/179685/> (۱۴ مهر ۱۳۹۴).
۲۹. محقق حلّی، نجم‌الدین جعفر بن حسن (۱۴۱۲ق). *نکت النهایه*، ج ۳، ج اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۰. یزدانیان، علیرضا (۱۳۹۰). «تحلیلی از مسئولیت عاقله، خویشان و بیت‌المال در فقه؛ در راستای اصل مسئولیت مدنی ناشی از عمل غیر در حقوق فرانسه»، *مجله فقه و مبانی حقوق اسلامی*، سال چهل و چهارم، دوره ۴۴، ش ۱، شماره پیاپی ۱۱۰۴۶۷۴، بهار و تابستان، ص ۱۵۹-۱۳۹. در: [https://jjfil.ut.ac.ir/article\\_28417.html](https://jjfil.ut.ac.ir/article_28417.html) (۱۸ دی ۱۳۹۶).

## (ب) خارجی

31. Bénabent, Alain (1996). *Droit Civil, la Famille*, paris, libraire de la cour de cassation, 8<sup>e</sup> Edition.
32. Hauser, Jean et Huet-Weiller, Danièle (1993). *Traité de Droit Civil, la Famille*, fondation et vie de la famille, paris, librairie générale de droit et de jurisprudence, E.J.A, 2<sup>e</sup> Edition.
33. Plissier, Jean (1996). *Les Obligations Alimentaires*, unité ou diversité, paris, libraire générale de droit et de jurisprudence.



Research Paper

## Sequential Liability

**Sadegh Shariati Nasab\***

*PhD in Private Law, Faculty of Law and Political Science, University of  
Tehran, Iran*

### Abstract

A review of various legal rules comprising the law of obligations in the Iranian legal system demonstrates that this system recognizes a special type of obligations with the unusual property that its burden is neither on one specific person (*individual responsibility*), nor on several persons simultaneously (*joint responsibility*), but, in two or more subsequent stages, along a specified priority, on different persons, so that in each stage, the creditor's claim is due to be paid from a different person's property. The creditor could pass to the next stage only when in the previous, there has been found no, or insufficient, assets. The obligations of involved persons, in other words, cover each other alternatively. The type of obligation thus described has not been viewed as a genuine, independent one in the Iranian legal system so far. Rather, it is considered as a special and exceptional phenomenon, or even as an irregularity. Therefore, the instances fitting in this type have not been collected and studied together, its constituting elements have not been specifically studied, and the rules governing it have not been formulated. This article is intended to study this type of responsibility as a genuine and independent type among obligations and to examine its instances, elements and the rules governing it.

The method of this research is descriptive and analytical. Accordingly, in the beginning, the article will descriptively review various laws that contain, or constitute an application of, the sequential responsibility, either explicitly or implicitly. Then, in the analytical phase, an attempt will be made to derive the general principles, elements and rules governing the provisions embodied in that particular body of law. In this way, the most important

---

\* Corresponding Author  
Received: 19 February 2020 , Accepted: 15 December 2020

Email: shariatina@ut.ac.ir  
University of Tehran

interpretive instrument will be the *induction* from various legal provisions. The library research method will also be employed.

The hypothesis of this research is that the sequential responsibility is not exceptional or irregular, but a genuine, purposeful and regular type which the legislator is able to use when necessary. It is a combination of the individual and the joint responsibility, aiming to support both the debtor and the creditor at the same time. Also, it can be conceived as a form of insurance for a number of obligations, each backed by the obligation(s) of the next stage. Therefore, by coherent explanation and analysis of the rules governing this type of responsibility, the scope of its appropriate application can be suggested to the legislator and to the legal doctrine.

The principal questions of this research are: 1. what are the examples of sequential responsibility in the Iranian laws? 2. What are the structural characteristics and the elements of this type and its differences with other types of responsibility? 3. What general rules governing this type could be induced and to what issues could they be applied? On the other hand, the following hypotheses will be suggested: 1. The hierarchy between the liabilities of different persons for paying alimony to relatives, as well as the sequence in paying the blood money between a) *Aqila* (paternal relative of the felon), b) the felon, and c) the public treasury are prime examples of this type of responsibility. Also, the sequence between a) minor's liability and b) its culpable guardian's liability, and in some cases, the liabilities of a) the company director and shareholders/members, and b) the company/legal entity should be considered as examples of this type of liability; 2. The elements of this type of responsibility are: *sequentiality*, *single debt*, and *multiple properties*. 3. There are general rules governing matters such as: the aim of responsibility, the relationship between liable persons, and the scope of responsibility.

This article has depicted as a regular category a group of obligations that have always been viewed as sporadic or exceptional cases. The article will present them as an independent, original institution in the Iranian law, with the proposed name "*sequential liability*". Various instances of this type of liability will be traced through different laws and put together as a coherent category. These include: sequential liability between the invalid (the insane and the minors) and their culpable guardian (Article 7 of the *Civil Liability Act*), sequential responsibility between different persons for paying alimony to their relatives (Articles 1198 et seq. of the *Civil Code*), sequential responsibility between the director of a legal entity and the entity itself to compensate for damages caused by a crime (Article 28 of the *Protection of Authors, Writers and Artists Act*, legislated in 1970), sequential liability between limited liability and general partnership companies and their partners/shareholders (Articles 126, 186 and 187 of the *Commercial Code*), sequential liability between the company and its culpable director against third parties (Article 143 of the *Amendment to the Commercial Code*), and sequential responsibility between the *Aqila* (paternal relative of the felon), the felon, and the public treasury, to pay blood money (Articles 470, 435, 471, 474 and 475 of the *Islamic Penal Code*). Instead of focusing on divergences, the article will explore similarities and common elements in

various cases, as is necessary in any scientific research. Common elements are: a) sequentiality, which means the sequential relation between a number of obligations based on a specified priority; b) multiple properties, meaning that sequential responsibility shifts, at each level, from one liable person's property, to the property of the person in the next rank; c) one debt, meaning that the content of obligation is the same for all sequential ranks, bearing same qualitative and quantitative characteristics. Finally, by induction from various bodies of law, and by taking into account the purpose and the rationale behind this type of responsibility, the general rules governing it, which are applicable in similar cases or when no specific rule can be found in the texts, will be formulated as follows: first, the aim of sequential liability is to support both the creditor and the debtor, in that the creditor will have access to multiple properties to collect the debt, and the debtor will not be forced to face hardship by fulfilling the debt. Thus, this is a genuine category of responsibilities, along with the individual and the joint responsibility; second, as to the relationship between sequential debtors, since each of them is paying his own debt, he cannot, in principle, claim against those in the previous or the next rank to refund what he has paid, such as is the case for the one who pays the relative's alimony; third, the scope of sequential responsibility, in accordance with its rationale and its premises, is that each debtor in any rank is responsible for all of the debt, and only the portion he failed to pay will be transferred to the next rank. As for the case where several debtors are in the same rank, the rule is that each will have to pay an equal share of the debt.

**Key Words:** Creditor, Debt, Rank, Sequentiality, Hierarchy, Liability, Obligation, Responsibility, Sequence, Stage.

#### **Declaration of conflicting interests**

The authors declared no potential conflicts of interest with respect to the research, authorship, and/or publication of this article.

#### **Funding**

The authors received no financial support for the research, authorship, and/or publication of this article.

**ORCID iDs:** <https://orcid.org/0000-0002-4172-3999>



This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC-BY) license.